ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری ۲
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۱۰ | اذان مغرب ۲۰/۴۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۰ | اذان صبح فردا ۴/۲۰ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۲

سخن روز

امام صادق (ع):
به خدا قسم اگر مردم فضیلت واقعی «روز غدیر» را می‌شناختند، فرشتگان روزی ۱۰ بار با آنان مصافحه می‌کردند و بخشش‌های خدا به کسی که آن روز را شناخته، قابل شمارش نیست.
مصباح المتهجد: ۷۳۸

برای من همکاری با نمایش «روشنای شب تار» نوعی ادای دین بود

محمد حسین لطیفی: درباره اینکه همکاری‌ام با عوامل نمایش «روشنای شب تار» چطور شکل گرفت باید بگویم که من در سریال «صاحبدلان» هم تمامی آیات قرآن را خودم خواندم. در واقع برای صدای نقش حضرت محمد رسول‌الله(ص) دوستان من را انتخاب کردند و همکاری‌مان برای «روشنای شب تار» این‌طور شکل گرفت. زمانی که متوجه شدم محوریت این نمایش درباره ماجرای غدیر خم است، انگیزه‌ام برای انجام کار بیشتر شد. هرچند احساس می‌کنم که صداهای بسیار بهتری در مقایسه با صدای من هم در کشور وجود دارد که می‌توانستند به جای شخصیت رسول‌الله(ص) صحبت کنند. برای من جای مباهات داشت و در عین حال مسئولیت سنگینی هم بود. کلامی که می‌خواستم بگویم، کلام رسول‌الله(ص) است و به نوعی باید ادای دِینی اتفاق می‌افتاد. به همین دلیل این بخش از کار کمی برایم سنگین بود.

بخشی از گفته‌های این کارگردان به بهانه حضور در نمایش «روشنای شب تار» در ایسنا

جز صفات داوری در وی نیابد یک صفت
آنکه عقل خویش را بر خویشتن داور کند...
در غدیر خم خطاب آمد ز حق بر مصطفی
تا علی را او ولی بر مهتر و کهتر کند

ملک الشعرای بهار

نـــگاره
رضا بدرالسما

گفت هرکو را منم مولا و دوست
ابن عم من علی مولای اوست
مولانا

درباره زنده‌یاد اسماعیل شنگله

وداع با مرد شیک تئاتر

یاد

سیدرضا صائمی
منتقد سینما

بدون شک تاریخ تئاتر ایران یکی از بهترین‌های خود را از دست داد. مردی که به تئاتر عشق می‌ورزید و همواره به آن وفادار ماند. اسماعیل شنگله قطعاً نامی ماندگار در تئاتر ایران خواهد بود. او فعالیت خود را در تئاتر از سال ۳۲ و با عضویت در جامعه باربد آغاز کرد و در ادامه در سال ۳۵ وارد هنرستان هنرپیشگی شد و به تحصیل آکادمیک هنر در کنار بازیگری تجربی پرداخت. بعدها شنگله به قصد ادامه تحصیل شروع به یادگیری زبان آلمانی کرد و در ادامه با مهاجرت به آلمان، لیسانس کارگردانی خود را از آکادمی هنرهای نمایشی وین دریافت کرد. او به جز بازیگری، مدرس متبحری در تدریس تئاتر هم بود.

در سال ۱۳۴۸ پس از فارغ‌التحصیلی در اتریش، به ایران بازگشت و به تدریس بازیگری در دانشکده هنرهای دراماتیک پرداخت. این پیشکسوت تئاتر هم نزدیکی و دوستی با هما روستا و استاد حمید سمندریان داشت و هم در شیوه تدریس تئاتر به او نزدیک بود و سنخیت حرفه‌ای داشتند. بازیگری که عشق و دلبستگی‌اش به تئاتر موجب شد کمتر در سینما و تلویزیون حضور یابد که همان حضورهای اندک هم به ثبت خاطره در حافظه مردم منجر شد. «دایره مینا»، «سام و نرگس»، «سگ‌کشی»، «پارتی»، «آبی»، «بانوی کوچک»، «گاهی به آسمان نگاه کن» و «عروس فرنگی» فیلم‌هایی هستند که شنگله در آنها نقش‌آفرینی کرده است. از سریال‌هایی که او در آنها به ایفای نقش پرداخت هم می‌توان به آثار ماندگاری مانند «مدرس»، «رعنا»، «عطر گل یاس»، «آوای فاخته»، «بهشت گمشده»، «تصویر یک رؤیا»، «روزهای زندگی»، «محاکمه»، «شیخ بهایی» و «سال‌های ابری» اشاره کرد. شمایل او به عنوان مردی جنتلمن که همواره مرتب و منظم بود به او دیسیپلینی بخشیده بود که در کارش هم قابل ردیابی بود. چهره‌ای داشت که بویژه در نقش‌های الیت و روشنفکرانه به‌شدت جواب می‌داد. بدون شک یکی از امتیازات و توانمندی‌های شنگله در بازیگری، صدا و فن بیان خوب بود که در دیالوگ‌گویی توانمندش می‌کرد و کلامش را نافذ. طبیعتاً برای یک بازیگر بویژه بازیگر تئاتر، توانایی در فن بیان و قدرت دیالوگ‌گویی امتیاز ویژه‌ای است که شنگله واجد آن بود. گرچه بیش از اینها عشق و علاقه به تئاتر بود که او را در این عرصه ماندگار کرده بود. او نه تنها یکی از پیشکسوت‌های عرصه تئاتر بود که یکی از پرکارترین آنها هم بود بویژه در دهه ۴۰ و ۵۰ که تئاتر رونق بیشتری پیدا کرده بود. از سوی دیگر می‌توان او را از چهره‌های فعال و مؤثر در تله‌تئاتر دانست که در این زمینه کارنامه درخشانی دارد. «ماه پنهان است»، «کسب و کار آقای فابریزی»، «تاجر ونیزی»، «قطار ارواح»، «قضیه اوپنهایمر»، «دست بالای دست»، «شیلی» و بویژه سه تله‌تئاتر «غرور زندگی»، «پزشک دهکده کوکونیان» و «بعد از سی سال» که حاصل همکاری او با استاد علی نصیریان بوده از فرازهای درخشان کارنامه اوست. هنرمندی که هنر تئاتر را زنده نگه داشت و قطعاً در یادها می‌ماند.

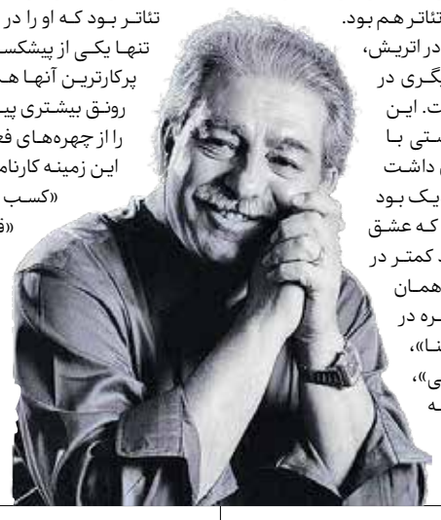

نقش گروه در آفرینشگری هنری

پنجره‌ای روبه دیوار

رضا آشفته
منتقد

فروپاشی یک گروه تئاتری برابر است با از بین رفتن شیرازه کارهای ما بعد یک گروه...

تئاتر یک هنر گروهی و اجتماعی است و در داشتن جمعی همفکر و همدرد شکل می‌گیرد. از همین بابت با از هم پاشیدن یک گروه در اغلب مواقع می‌توان منتظر نتایج منفی برای یک کارگردان بود، مسأله‌ای که آن را می‌شود با مثال‌های بسیاری توضیح داده و اثبات کرد.

اگر به تازگی تئاترشهر رفته و کار پروین را دیده باشید؛ این نمایش را در قیاس با دیگر کارهای حسین کیانی که با یک گروه شناخته شده و نسبتاً ثابت سال‌ها کار کرده متفاوت خواهید یافت، چراکه آن کارها محصول مشترک همفکری و تعامل اعضای یک گروه بوده‌اند. اما نمایش پروین برخوردار از این شرایط نیست چون هیچ یک از این بازیگران بجز مجید رحمتی، پیشینه همکاری با کیانی را ندارند. با آنکه بازیگران حاضر نیز همگی حرفه‌ای‌اند و از پیشینه درستی نیز در زمینه بازیگری برخوردارند اما برای نخستین بار در کنار هم قرار گرفته‌اند و به یقین هنوز رودربایستی‌هایی با هم دارند و ناخواسته در تکامل اعضای یک گروه کم می‌گذارند. از همین بابت نیز ما با اجرایی همراه می‌شویم که از عدم هماهنگی به مفهوم حقیقی و همچنین ایجاد ضرباهنگ راستین رنج می‌برد.

حالا این قضیه مسبوق به سابقه است و می‌توان از نامهای بسیاری یاد کرد که تا یک گروه داشته‌اند رفته رفته پیشرفت‌هایی کرده‌اند و اتفاقاً پس از فروپاشی، گروه دیگر نتوانسته تئاترش را با پیشرفت و خلاقیت چندانی همراه کند. شاید در دهه ۸۰ کارهای جلال تهرانی را به خاطر داشته باشید که با نمایش «نفرتی تی» شروع شد و یکباره با نمایش‌هایی چون «مخزن» و «تک سلولی‌ها» با نقاط عطفی برابر شد که اوجگاهش نمایش «بسه دیگه خفه شو» بود و همین روال ادامه داشت تا در آغاز دهه ۹۰ به تکرار مخزن منجر شد. هرچند پس از آن رفته رفته این گروه حالا به هر دلیل و خواستی از هم پاشید و دیگر جلال تهرانی از کارهای شاخص و ایجاد خلاقیت صحنه‌ای بازماند.

رابطه دکتر قطب‌الدین صادقی و میکائیل شهرستانی نیز در ایجاد گروه هنر با چنین خاستگاه باشکوهی شکل گرفت چنانکه نمایش‌هایی چون مویه جم در دهه ۷۰ و سحوری در دهه ۸۰ مثال بارز این همکاری است که با قطع شدنش حتی دکتر صادقی نیز نتوانست اثر شاخصی را به صحنه بیاورد تا اینکه در دهه ۹۰ این همکاری دوباره منجر به خلق اثری چون مکبث شد که باز هم دلیل بر یک مرکز ثقل درست در صحنه کار بود و شهرستانی چنین خاستگاه و برگ برنده‌ای را برای برد صادقی بازی می‌کرد.

رابطه کوروش نریمانی و سیامک صفری که هر دو پرورش یافته دبستان تئاتری دکتر علی رفیعی‌اند و سال‌ها در کنار هم و برای همدیگر کار کرده‌اند و توانسته‌اند آثار در خور تأملی را بیافرینند نیز از آن جمله است، هرچند فقدان سیامک صفری حتماً کار را برای کوروش نریمانی دچار خدشه خواهد کرد.

از این مثال‌ها بسیار است و باید که گروه‌ها متوجه اهمیت رابطه دوستانه و انسانی خود در یک گروه باشند و در این بودن‌هاست که همکاری‌ها منجر به خلق و ایجاد هنر تئاتر خواهد شد و این مسأله بزرگی است که در صورت کم اهمیتی تبدیل به معضلی اساسی خواهد شد و باید که تئاتر نسبت‌های درست و حقیقی‌اش را در همین روابط انسانی و همفکری‌ها و ایجاد گرانیگاه‌های هنری معنا بخشند. بنابراین داشتن گروه در هنر تئاتر یک اصل است که هر کارگردانی باید که برخوردار از چنین امتیاز و مشخصه‌ای باشد. یک گروه همگرا و همفکر و پابرجا در تئاتر است که به شکل پویایی آفرینشگری خواهد کرد و باورهای مخاطبان را در صحنه به چالش خواهد کشید.

برش‌هایی از زندگی

پیشنهاد

مجید بازایی
عکاس

«پارامونت» نمایشگاهی است از منتخب عکاسی‌های من که در گالری آبان به نمایش درآمده است. عکس‌هایی که از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ گرفته شده و نقطه اشتراک همه آنها، در «خیابان‌های شیراز بودن» است. نام این نمایشگاه نیز برگرفته از یکی از پررفت و آمدترین و قدیمی‌ترین مکان‌های شهرشیراز، چهارراه «پارامونت» است.

یکی دو سال پس از شروع کارم، به چند ژانر عکاسی سرک کشیدم، خود را در خیابان دیدم درحالی که از دوربین، عابران را تماشا می‌کردم. اینکه از میان روزمرگی‌ها بتوان عکسی گرفت که خارج از آن چهارچوب خسته‌کننده زندگی باشد، بسیار چالش برانگیز و جذاب است. هیاهوی خیابان و اتفاقات کوچک و بزرگش تا همین الان هم، من را مجذوب خود کرده است.

به اعتقاد من، برش‌هایی از زندگی را می‌توان در قاب‌های یک عکاس خیابانی نظاره کرد و از آن به عنوان یکی از ابزارهای تحلیل روابط و تعاملات انسانی استفاده کرد. از طرف دیگر، عکاسی خیابانی با درک و برخورد ما از مفهوم شهر و زندگی شهری در هم آمیخته است. به نظر می‌رسد، هرقدر که زندگی شهری، شهر نشینی و شهرسازی پیشرفت داشته باشد، ظرفیت‌های بیشتری برای عکاسی خیابانی در شهر فراهم می‌گردد. از این‌رو، نمایشگاه‌های مرتبط با عکاسی خیابانی، علاوه بر فراهم کردن بستری برای نقد و گفت‌وگوی هنری، فرصتی است برای سنجش غیرمستقیم سطح زندگی در یک شهر. به عبارت دیگر، شهر را گاهی از زاویه یک عکاس خیابانی می‌توان نگاه کرد. جایی که دیدگاه و هنر عکاس از یک طرف و جامعه شهر و روابط انسانی از طرف دیگر به شکلی درهم تلفیق می‌شوند.

■ **نمایشگاه «پارامونت»**
■ **عکس**
■ **مجید بازایی**
■ **از ۲۴ تا ۳۰ تیرماه گالری آبان**

تأملی در فلسفه غدیر-۳

غدیر؛ نشان رحمت خداوندی بر سینه امت

آیین

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

مسلمانان با حلقه زدن گرد شمع وجود رسول گرامی اسلام(ص) برای اولین و آخرین بار مناسک حج را براساس تعلیم شریعت محمدی(ص) به‌جا آوردند و در بازگشت وقتی به منطقه «رابغ» نزدیک غدیرخم رسیدند پیش از آنکه کاملاً پراکنده شده و به سمت شهر و دیار خود حرکت کنند، ابتدا سینه رسول خدا(ص) گرم، آنگاه این کلمات نازل شد. «ای رسول ما! آنچه از سوی پروردگارت برتو نازل شد به مردم برسان، اگر این را عملی نسازی رسالت خویش را ابلاغ نکرده‌ای و خداوند تو را از آسیب مصون خواهد داشت.» این خطاب الهی، فرمان فوق‌العاده و خاصی را به همراه داشت. کدام تکلیف الهی بود که اگر انجام نمی‌گرفت رسالت محمدی(ص) به انجام نمی‌رسید و از رسول خدا خواسته شده بود تا آن را به انجام رساند؟ پیامبر ۲۳ سال در دوره‌های مختلف، آیات و احکام الهی را که بر سینه‌اش نازل می‌شد، به اطلاع مردم رسانده و بر آن اساس مردمان را به آیین حق دعوت و در این راه مشقات و دشواری‌های بسیاری را بر خود هموار کرده بود. این‌بار مشیت الهی برآن قرار داشت تا فرمان جدید در مکان و وضعیتی ابلاغ شود که در ضمیر امت ماندگار شود و در جهت حفظ وحراست از رسالت و امت اسلامی با گذشت زمان در خاطره‌ها زنده و پویا باقی بماند.

پیامبر قبل از به انجام رساندن آخرین مأموریت خود، به شیوه‌ای مشارکت‌جویانه نظر مردم را خواهان می‌شود و ضمن اعلام اینکه بزودی از میان آنان خواهد رفت پرسشی را با حاضران در میان می‌گذارد و نظرشان را در مورد ابلاغ رسالت خود جویا می‌شود. جمع حاضر هر یک با زبان حالی گواهی می‌دهند که رسول خدا رسالت خود را در ابلاغ آیات حق بخوبی به انجام رسانده و خیرخواه امت بوده است... پس از آن می‌فرماید: بنگرید پس از من چگونه با ثقلین رفتار می‌کنید؟ فردی صدا بلند کرد که ثقلین چیست /گفت: ثقل اکبر کتاب خداست پس بدان چنگ زنید تا گمراه نشوید و ثقل اصغر عترت منند و خداوند مرا آگاه و مطلع ساخته که آن دو از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. از آنان پیش نیفتید و از آنان بازنمانید که به هلاکت خواهید رسید. سپس دست علی(ع)را بالا برد و فرمود: «هر که من مولا و فرمانروای اویم علی مولای او است، خدایا دوست بدار آن کس که او را دوست دارد و دشمن دار آن کس که او را دشمن دارد.» با انجام این مأموریت نهال امامت در آیین اسلام غرس و به تصریح آیه دیگری که در همان دقایق نازل گردید رسالت خاتم الانبیا کامل شد.

امامت نهادی بود که از احتمال گسستن رشته‌های همبستگی در میان جمعیت مسلمانان جلوگیری کرده و از فروپاشی امت جلوگیری می‌کند و مأموریتی الهی است که براساس آن خداوند از میان بندگانش افرادی را که از ویژگی‌های بی‌مانندی برخوردارند برمی‌گزیند تا بشریت را در طول زندگی با راهنمایی‌های شایسته به حیات طیبه رهنمون گردانند. بنابراین امامان از میان کسانی انتخاب می‌شوند که از همه ویژگی‌های لازم برای پذیرش این مسئولیت سترگ آمادگی کامل داشته باشند. زیرا وجود آنان ظرف و ظرفیت وحی را توسعه داده و شأن آنان نیز عصمت است. هر امامی براساس تعالیم اسلام، اصول مکتب را تبیین و ترویج می‌کند. لازمه امامت صدق و راستگویی است تا زمینه اطمینان و جلب اعتماد عمومی به دین و آیین اسلام فراهم آید. امیرالمؤمنین علی(ع) سال‌ها پیش از نصب به جانشینی رسول خدا به صداقت و امانت شهره بود و در میان اهالی حجاز به صفات نیکو شناخته می‌شد. از این‌رو وقتی به این مسئولیت سترگ منصوب شد با لسان رسول گرامی اسلام و از جانب خداوند به روشنی شایستگی‌هایش مورد تأیید قرار گرفت و با تعابیر «حجت آشکار» و «نشانه‌های روشن» در منطق دین از وی یاد می‌شود. امامت در طول حضور خود برای عقل و درک و آگاهی بشر جایگاه ویژه‌ای قائل بوده است. امامت، رسالت اسلام را به جامعیت رسانده و براساس آن کامل‌ترین دستورالعمل زندگی سعادتمندانه با ارائه الگوهای برتر زمینه تحقق یافت. بشری را می‌توان در تعالیم اسلام جست‌وجو کرد و نسخه جامع آن را که شامل متنوع‌ترین شیوه‌های دستیابی به حیات طیبه است در تعالیم شریعت اسلام یافت. خداوند با نصب حضرت علی(ع) به جانشینی پیامبر اکرم(ص) مدال رحمت را به امت اسلامی اعطا فرموده و چراغی پیش پای فرزندان آدم تا انتهای تاریخ روشن کرد. راهی که دعوت اسلام را از عوامفریبی و جهل خبری به دور نگه می‌دارد.

ایموجی‌ها؛ شکل امروزین خط تصویرنگار و اندیشه‌نگار

دریچه

دکتر مسعود مُشیدی
زبان‌شناس

امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که با دنیای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی سر و کار داشته باشد ولی با ایموجی‌ها و استفاده از آنها بیگانه باشد. کاربرد ایموجی‌ها در میان نسل جوان شاید بیشتر از بقیه باشد. این نسل، که با دنیای سرعت و تکنولوژی رشد کرده و به آن خو گرفته است، تمایل دارد در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با کمترین زحمت، بیشترین معنا و منظور را منتقل کند. در این میان، ایموجی‌ها ابزار مناسبی هستند که به کاربر اجازه می‌دهند گاهی اوقات به جای نوشتن یک جمله، فقط از یک ایموجی استفاده کند. ایموجی‌ها می‌توانند بیانگر حرکات، حالات چهره، لحن بیان و احساسات مختلفی مانند خنده، غصه، تأیید کردن یا تأیید نکردن، ابراز عشق، تسلیت، تعجب، نگرانی و... باشند.

از منظر زبان‌شناسی، ایموجی‌ها شکل امروزین و پیشرفته مدل‌های خط تصویرنگار (pictogram) و اندیشه‌نگار (ideogram) هستند؛ همان‌طور که قبل از ابداع خط الفبایی، خط تصویرنگار و اندیشه‌نگار این امکان را برای انسان اولیه فراهم می‌کرد که برای بیان مفاهیم به شکل نوشتاری، آنها را با تصویر بیان کند، در عصر حاضر نیز، استفاده از ایموجی‌ها به ما این امکان را می‌دهد تا در بستر فضای مجازی به جای نوشتن یک جمله، تنها با یک ایموجی منظور خود را بیان کنیم.

■ **خاستگاه و سیر تکامل ایموجی‌ها**

تاریخچه پیدایش و کاربرد اولین ایموجی‌ها به اوایل دهه نود میلادی برمی‌گردد. در این سال‌ها با گسترش و همه‌گیری اینترنت و ابزارهای ارتباطی جدید، برخی کاربران از سر ذوق و تفنن تلاش می‌کردند با ترکیب مجموعه‌ای از حروف، اعداد یا علامت‌های موجود در صفحه کلید، حالات روحی خود را بیان کنند. از رایج‌ترین این نمادها می‌توان به نماد :-) برای نشان دادن «خوشحالی» و نماد :-(برای نشان دادن «ناراحتی» اشاره کرد؛ اما ایده ساخت ایموجی‌ها به شکلی که امروزه وجود دارند، به سال ۱۹۹۹ برمی‌گردد. در این سال یک هنرمند و طراح ژاپنی به نام «شیگه تاکا کورتینا» با الهام از تصاویری که در گزارش‌های هواشناسی تلویزیون دیده بود، چند نماد تصویری را برای شرکت مخابراتی NTT DoCoMo طراحی کرد. هدف او این بود که کاربران بتوانند با یک روش جذاب، اطلاعات را به شکل واضح، ساده و مختصر انتقال دهند. کم‌کم نام ایموجی برای این گونه نمادهای تصویری انتخاب شد. در زبان ژاپنی، «ای» به معنی تصویر و «موجی» به معنی شخصیت است. از این سال به بعد تعداد ایموجی‌ها رفته‌رفته بیشتر شد و علاوه بر نشان دادن وضعیت آب و هوا، تصاویری برای نشان دادن حالات مختلف چهره انسان، وسایل نقلیه، فناوری و... ابداع شد.

به دلیل جذابیت ایموجی‌ها و استفاده روزافزون کاربران از آنها، «جرمی برگ»، مؤسس دانشنامه ایموجی پدیا، در سال ۲۰۱۴، روز هفدهم جولای را روز جهانی ایموجی‌ها نامگذاری کرد. علت اینکه روز هفدهم جولای برای این مناسبت پیشنهاد شد، این بود که در چنین روزی در سال ۲۰۰۲ میلادی، شرکت اپل همزمان با انتشار برنامه iCal خود، ایموجی مربوط به این برنامه را به همراه چند ایموجی دیگر در سیستم IOS بارگذاری کرده بود.

با عنایت به اینکه اکثر ایموجی‌ها نوعی رابطه شمایل‌گونه و تصویری با پدیده‌ها برقرار می‌کنند، می‌توانند روایتگر مفاهیمی باشند که تقریباً برای همه افراد قابل فهم هستند. برای مثال، اگر شما برای شخصی در هر گوشه از دنیا و با هر زبانی، یک ایموجی خندان بفرستید، او احساس خوشحالی شما را درک خواهد کرد؛ اما گاهی اوقات به سبب تنوع فرهنگی و پیچیدگی‌های جوامع امروزی، ممکن است یک ایموجی در فرهنگ‌های مختلف، معانی متفاوتی را برساند. با این حال باید پذیرفت که ایموجی‌ها به هر شکل و حالتی که باشند، امروزه جزئی از نظام ارتباطی ما در فضای مجازی شده‌اند و کاربرد آنها در کنار نظام نوشتاری زبان، امر انتقال پیام را راحت‌تر و سریع‌تر کرده است.

عکس نوشت

طی روزهای اخیر در سراسر کشورمان شاهد اجرای ویژه برنامه‌های مختلف فرهنگی و هنری به مناسبت فرارسیدن عید غدیر خم هستیم. از آن جمله می‌توان به نمایش بازسازی واقعه غدیر خم با حضور هنرمندان همدانی در باغ موزه دفاع مقدس همدان اشاره کرد. / خبرگزاری تسنیم